

به پورتال " افغانستان آزاد-آزاد افغانستان "

خاطرات زندان

کبير توخي

(شمه ای از جنایات سوسیال امپریالیزم شوروی و مزدوران
فلقی، پریمی و فادی آن در زندان مخوف پلپرفی)

جلد اول

بخش (اول - پنجم)

تاریخ چاپ اول (۲۳ / ۱۲ / ۲۰۰۷)

این کتاب را تقدیم می کنم :

افشای بی رحمانه جنایات
سوسیال امپریالیزم شوروی
در زندان پلچرخی و خارج از
آن و مقایسه آن با
جنایات امریکا در زندان
های افغانستان و عراق
و خارج از آن ، امر خوبی
است در جهت ارتقای
سطح آگاهی سیاسی مردم
افغانستان و برپایی یک
مبارزه مترقی و مردمی
علیه تجاوز امپریالیزم
جنایتکار امریکا و شرکاء .

به ده ها هزار زندانی آزادیخواه ، به تمام چپ انقلابی و کمونیست
های راستین که در راه آزادی مردم و کشور از سلطه سوسیال امپریالیزم
شوروی رزمیدند و با سر پر شور و بر افراخته ، شکنجه و زندان و
مرگ را پذیرا شدند ؛ ولی قامت استوار و بلند شانرا در پیشگاه متجاوزین
روسی و مزدوران خاین و بی مقدار شان ، خم نکردند .

به هزاران زندانی دیگر که عمر گرامی شانرا با تحمل انواع و اشکال
شکنجه های وحشیانه جلادان خلقی ، پرچمی و خادی، در زندان مرکزی
پلچرخی و سایر زندان های کشور سپری کردند .

به تمام پیر زنان و پیر مردان و جوانانی که خطرات جانی را پذیرفته
از دور ترین مناطق کشور، راه های پرفراز و فرود ، پرپیچ و خم و پرتگاه
های هولناک و نابود کننده کوهستانهای صعب العبور و مین گذاری شده
کشور را در گرما و سرمای شدید می پیمودند و به پایواری زندانیان
شان می آمدند .

و به همسر دلیر، فداکار و مبارزم رحیمه توخی و دختر شجاع ،
مهربان و مردم دوستم زحل جان توخی که در مدت ۸ سال دوره اسارت
با پذیرش خطرات ، مشقات و مشکلات فراوان (بدون وقفه) به پایواری و
ملاقاتم به زندان پلچرخی می آمدند.

کبیر توخی (۲۰۰۷/۱۲/۲۳)

آنچه در جلد اول ، بخش اول هست :

■ ■ ■ ■ ■ ■ ■ ■ ■ ■

- « دربارهٔ محتوا و اهمیت نوشتهٔ "خاطرات زندان" از رفیق (پولاد) »
- « بجای تقریظ » از رفیق (بابک آزاد) »
- « خاطرات زندان کبیر توخی » از دوست گرانقدر (داکتر میر عبدالرحیم عزیز) »
- « پیشگفتار » از (نویسنده) »

■ ■ ■ ■ ■

فهرست (بخش اول)

■ ■ ■ ■ ■

- ۱- درآمدی بر موضوع و تذکر نکاتی چند .
- ۲- سخنی چند در مورد بخش اول .
- ۳- " اتاق محصلین " یا (سلول نمبر ۱۷۵) .
- ۴- یکی از شیوه های ارضای سادیزم خادی ها.
- ۵- خارنوال دفاعیه نویس کی بود و باسلمانی چه ارتباط داشت .
- ۶- زندانیان به چه می اندیشیدند ؟
- ۷- اشاره مختصر به تلاش خادی ها برای جلب اعتماد زندانیان .
- ۸- تأملی گذرا بر ترکیب " اتاق محصلین " .
- ۹- چهارسرباز شوروی، چرا برای بردن پسرک خرد سال داخل " اتاق محصلین " شدند
- ۱۰- قربان سعید کی بود ؟
- ۱۱- از هیچ کس صدای بر نمی خاست .
- ۱۲- غرش جنرال بر آشفته .
- ۱۳- نخستین شعله عکس العمل و همبستگی زندانیان .

تاریخ ارسال به پورتال " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " (۲۴ / ۳ / ۲۰۱۲)

بخش اول - قسمت (۱)

درباره محتوا و اهمیت نوشته "خاطرات زندان":

این نوشته در مورد خاطرات زندان - به لحاظ محتوی - اولین نوشته است که گزارشات درون زندان و عبارت دیگر گوشه از جنایات سوسیال امپریالیسم شوروی و مزدوران خلقی پرچمی و خادی اشرا در زندان پلچرخی بیان می کند. این نوشته توسط یکی از اعضای جنبش کمونیستی کشور به رشته تحریر درآمده است که خود در جریان ۸ سال شکنجه های جسمی و روحی دژخیمان KGB و خاد را بر تمام وجودش لمس کرده و روح و روانش از آن متاثر شده و شاهد زنده وقایع و مسایل درون زندان نیز بوده است . رفیق نویسنده بحیث یک کمونیست معتقد به (م . ل . ا .) موضوعات مندرج در این نوشته را از دید ماتریالیستی و با ژرف بینی خاصی مورد تحلیل و تجزیه قرار داده و به همه قضایا و وقایع درون زندان از همین دید نگریسته است ؛ از اینرو این نوشته سند حایز اهمیتی است برای فعالان جنبش انقلابی کشور و سایر جریانات مترقی ، خاصاً نسلهای مبارز در آینده .

زندانی شدن و قرار گرفتن در برابر مستنطقین و شکنجه گران و دژخیمان رژیم حاکم در واقع سخت ترین آزمونی است که یک مبارزانقلابی به آن روبرو می شود . موفق برآمدن از این آزمون ، یعنی استقامت و استواری در برابر شکنجه های غیرانسانی، جسمی و روانی دشمن ، و دفاع از موضع و عمل و اندیشه و نظر انقلابی اش و وفادار ماندن به آرمان و راه مبارزه اوست . و بالعکس عدم مقاومت او در برابر شکنجه های دشمن (که منظور اصلی دشمن هم شکستن مقاومت و خرد کردن روحیه مبارز انقلابی و مجبور کردن او به ندامت و دست کشیدن از مبارزه است) ، ناکامی او را از این آزمون نشان می دهد . بهر صورت مقاومت و یاعدم مقاومت مبارزانقلابی در برابر شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی دشمن امری است که مربوط به عوامل گوناگون می باشد . و از جنبه های مختلف باید مورد تحلیل و تجزیه قرار گیرد و پرداخت به آن در این سطور نمی گنجد .

پرداخت به سرنوشت زندانی مبارزانقلابی از زمانی که اسیر چنگالهای خونین دشمن طبقاتی بیرحم و خونخواری شود و تا جریان بازجوئی و شکنجه و تعیین مدت حبس او و مسایل درون زندان در جریان سالهای طولانی ؛ در واقع پرداخت به بخشی از تاریخ مبارزات طبقاتی و انقلابی خلق کشور است. اسارت انقلابیون در چنگ دشمنان طبقاتی خلق ضربه شدیدی به جنبش انقلابی و مبارزه توده های خلق محسوب می شود. رژیم حاکم که سران جنبش انقلابی و سایر فعالان آنرا بزرگترین محرک جنبش توده ها علیه نظام دانسته سعی می کند تا به طرق و شیوه های مختلف جنبش توده ها را از رهبری انقلابی آن محروم ساخته و به آن ضربه وارد کند. نظام طبقاتی حاکم که ماشین سرکوب جامعه (ارتش، پولیس، پولیس سیاسی، زندان و دادستانی و محاکم) را در اختیار دارد؛ سعی مینماید تا با زندان و شکنجه های وحشیانه و غیرانسانی توسط دژخیمان وحشی اش از زندانی اعتراف گرفته تا به همه اعضای تشکیلات دست یافته (همه آنها را مورد شناسائی قرار داده) و متحد امکان

آنها را از عرصه مبارزه حذف کند. و اختناق و استبداد و فاشیسم و زندان و شکنجه و اعدام را یگانه چاره اصلی در نابودی نیروهای انقلابی و سرکوب و خفه کردن جنبش انقلابی میدانند. این همه وحشت و اعمال جنایتکارانه به منظور صدمه زدن به جنبش انقلابی توده های خلق و محرومیت آنها از رهبران مبارز انقلابی آنهاست؛ تا توده های خلق دچار ناامیدی و سرخوردگی شده و بدین صورت مانعی در راه ادامه مبارزه طبقاتی و ملی ایجاد نماید. در موردش این اصلی ترین هدفی است که طبقات حاکم ارتجاعی و امپریالیسم حامی آنها برای رسیدن به آن تلاش می کنند. به همین سبب مطالعه خاطرات نهایت تلخ و پر از رنج و آلام زندانیان انقلابی و مترقی، همچنان عذاب و شکنجه های جسمی و روحی ایکه در طی این مدت متحمل می شوند و همچنان چشم دیدها و تجارب تلخ آنها از عملکردهای رژیم حاکم در درون زندان از اهمیت ویژه برخوردار است. آگاهی به این عرصه مبارزه یعنی مقاومت مبارزین انقلابی زمانی که در چنگال دشمن طبقاتی خونخوار اسیر اند، برای همه انقلابیون و مبارزین راه نجات خلق که به چنین سرنوشتی گرفتار نشده اند، بسیار مهم است. استقامت و مقاومت انقلابیون در برابر شکنجه ها و ترفندهای دشمن بر پیشرفت مبارزه توده های خلق در سطح جامعه قویاً اثر گذاشته و برعکس شکسته شدن مقاومت نیروهای انقلابی و یاتسلیمی آنها به دشمن اثرناگذاری را در پیشرفت مبارزه توده های خلق در سطح جامعه بجا می گذارد. مقاومت شخص انقلابی در برابر شکنجه های دشمن و عدم تسلیمی و استقامت او تاپای جان در واقع تحقیر و زبون ساختن دشمن خونخوار است و روحیه توده های مبارز در جامعه را تقویت می کند و بلعکس آن، تاثیر بدی بر روحیه توده ها و ادامه مبارزه آنها گذاشته و اکثراً موجب ناامیدی و سرخوردگی توده ها می شود. از همین جاست که دشمن طبقاتی به انواع شکنجه ها به شیوه های قدیم و جدید متوسل شده و غیر انسانی ترین و غیر اخلاقی ترین شکنجه ها را بر یک مبارز انقلابی اعمال می کند. دشمن هدف دارد تا نیروی انقلابی را که در اسارت اوست چنان مورد شکنجه و عذاب روحی و جسمی قرار می دهد تا فرسوده شده و به استحاله کشیده شود.

نگارش این خاطرات در حقیقت بازگوکننده گوشه از جنایات سوسیال امپریالیسم شوروی و رژیم مزدور خلقی پرچمی ها در زندان هولناک پلچرخی و سایر زندانهای کشور است. زندان مخوف پلچرخی بحیث بزرگترین زندان رژیم که در آن هزاران انسان مترقی و آزادی خواه که به «جرم» آزادی خواهی و حق طلبی آنها توسط استعمارگران سوسیال امپریالیست و رژیم مزدور به اشکال مختلف تحت شکنجه های غیر انسانی قرارداد شده تا پژواک آزادی خواهی و فریاد حق طلبی آنها را خاموش کنند. در زندان پلچرخی شیوه های مختلف شکنجه های جسمی و روحی که طی چند ده سال دژخیمان KGB و سازمانهای اطلاعاتی سایر کشورهای بلوک سوسیال امپریالیستی علیه زندانیان آزادی خواه و مخالف رژیم حاکم در کشورهای شان بکار گرفته بودند، بر زندانیان اعمال کردند.

سرنوشت یک زندانی مبارز انقلابی بعد از آنکه ظاهراً جریان استنطاق و شکنجه های جسمی فروکش می کند (در صورتی که زندانی از جوخه های اعدام نجات حاصل کند)، مرحله دیگری از شکنجه بروی آغاز می شود، یعنی شکنجه های روانی فرساینده و دوام دار که در طی سالها اثرات وخیمی را بر روان و شخصیت زندانی بجا می گذارد. «زندگی» در شرایط زندان منجمله محیط غیر صحنی سلول زندان، رژیم غذایی بی کیفیت و غیر صحنی، عدم شرایط حداقل لازم برای خوابیدن، عدم امکان برای زندانی که در وقت معین بتواند رفع حاجت نماید (دشمن از این طریق نیز روز چند بار زندانی را روحاً مورد شکنجه قرار می دهد) و هم چنان محیط

اجتماعی ناهمگون سلول های زندان که افراد زندانی را با عقاید و افکار و سرنوشت گوناگون سیاسی و اجتماعی برای سالها درزیر یک سقف نگه میدارند. این همه مسایل که زندانی بیشتر ساعات شب و روز به آن مواجه است و هر مورد آن فشار بر اعصاب و ضربه بر احساسات و روان او وارد میکند. و نیز چگونگی برخورد زندان بانان بی رحم و جانی (که آگاهانه عناصر لومپن و اوباش و بی خاصیت و سادیست که کوچکترین احساس انسانی در برابر زندانی و یا هیچ انسان دیگری ندارند برای اینکار انتخاب و گمارده می شوند) و نیز توهین و تحقیر و دشنام زندانیان به اشکال و شیوه های مختلف بوسیله همین قماش دژخیمان و مسئولین جانی و بیرحم زندان؛ اینها و مسایل دیگر آگاهانه و حساب شده جهت شکنجه جسمی و روانی زندانی برای مدت طولانی جهت شکستادن و خرد کردن شخصیت او و فرسودگی و ناامیدی وی صورت می گیرد. و نیز خود مسئله اسارت و محرومیت از آزادی فردی و اجتماعی و قرار گرفتن درحالت انتظار در سرنوشت ظلمتبار و محرومیت از عادی ترین حقوق انسانی مسایلی اند که اثرات بد و وخیمی را بر روح زندانی بجا می گذارد. این همه مسایل بعلاوه نگرانی زندانی نسبت به فامیل اش و سلب تحرک اش از عرصه مبارزه طبقاتی که در جهت رسیدن به آرمان های والايش جد و جهد میکرده است؛ و اسارت او در چنگال دشمن زبون و پست فطرت؛ اثرات نهایت ناگواری را بر روان و افکار زندانی بجا می گذارد. تجارب علمی (روان شناسی و روان درمانی) نشان می دهد که شکنجه های جسمی و روحی و فشارهای روانی مداوم و بیدار خوابی (خاصاً که دژخیمان عمداً خواب زندانی را اخلاص می کنند و زندانی را ناگهان از خواب بیدار کرده و به اتاق شکنجه می برند) زمینه را هرچه بیشتر برای ابتلای او به بیماری افسردگی آماده می سازد. البته این بیماری نظر به وضعیت روحی و طرز تفکر افراد زندانی و موجودیت زمینه های مقاومت نزد آنها بدرجات مختلف از خفیف تا شدید فرق می کند. بر همین علت است که بعضی از زندانیان اقدام به خودکشی می کنند. این اقدام ناشی از حالت روانی ایست که زندانی بآن دچار شده است. بعبارت دیگر دشمن او را تا چنین حالتی رسانده است. همچنان اثرات بد ناشی از شکنجه های جسمی غیر انسانی از قبیل ضرب و شتم شدید، شوک برقی، به فرق آویزان کردن برای مدت طولانی، غرق کردن مصنوعی، قراردادن متهم در زیر قطرات مداوم آب، و نورشدید چراغ، آرایش صحنه های تصنعی اعدام و سوختاندن اعضای بدن (منجمله گذاشتن پلک برقی در مجرای تناسلی مردان و یا در مهبل زنان متهم) و تجاوز های جنسی بعلاوه شکنجه های فوق بر خرد کردن شخصیت زندانی و شدت بیماری روانی او اثرات نهایت وخیمی را بجا می گذارد. این افراد بعد از رهائی از زندان تا سالها خواب آرام ندارند و قسمت اعظم شبها را دچار کابوسها و صحنه های وحشتناک می شوند. همه این جنایات غیر انسانی بوسیله باند های تبهکار و جانی و خود فروخته خلقی پرچمی ها و خادی های جانی و اعضای مخوف KGB در زندانهای مخوف رژیم بر ده ها هزار انسان آزادی خواه و میهن دوست و انقلابی این سرزمین برای یک ونیم دهه اعمال شده است که هر خواننده بادرک و با احساس و دارای شعور اجتماعی سالم می تواند آنرا به ارزیابی بگیرد.

نگارش خاطرات زندان، افشای این اعمال وحشیانه و ضد انسانی و جنایات سخیف در درون زندانها منحصی گوشه از جنایات هولناک رژیم باندهای خلقی پرچمی و شبکه های پولیس سیاسی آنها (اکسا، کام و خاد) و سوسیال فاشیستهای روسی در طی یک ونیم دهه علیه خلقهای ملیتهای مختلف افغانستان در خارج و داخل زندان هرچه بیشتر ماهیت جنایتبار این رژیم مزدور و بادران روسی آنها را برملا میسازد. در این نوشته نه تنها به شیوه ها و اشکال شکنجه های روانی و جسمی و برخورد های غیر انسانی مشخص مسئولین زندان و دژخیمان

آن در برابر زندانیان پرداخته شده ؛ بلکه نویسنده مشاهدات عینی و برداشتها و تحلیل هایشرا از عملکرد های گوناگون رژیم در مورد نابود سازی شخصیت های مترقی و مبارز مردمی دربند شان در درون زندان و گسترش آن به بیرون از زندان (تا از این طریق بتوانند روحیه مقاومت هزاران فامیل متعلق به زندانیان و بخشهای از مردم رادرامعه تضعیف کنند) به خوبی انسجام بخشیده و به دسترس خواننده قراردادده است. اما در عمل دشمن حد اکثر نتوانست باین هدف شوم اش برسد و مقاومت و مبارزه هم در داخل زندان و هم در خارج زندان علیه سوسیال فاشیستهای روسی و مزدوران وطنی آنها ادامه یافت.

مسایل مهم مطرح شده در این نوشته:

- یکی از موضوعات مهمی که در این نوشته به آن پرداخته شده است؛ نیرنگها و ترفندها و تزویرهای رژیم مزدور و اشغالگران روسی است که علیه زندانیان آزادی خواه و مبارز و انقلابی بکاربرده اند. چیزی که در خاطرات زندانیان مترقی و مبارز کشور در گذشته در دوران رژیم سلطنت ظاهر شاه و جمهوری داوود خان کمتر به آن اشاره شده و بیان شده است؛ موضوع اینکه عناصر خادیسست و یا دیگرگماشتگان اشرا به نام متهم به عضویت یکی از سازمانهای انقلابی در داخل سلول های زندان در پهلوی زندانیان جای داده و این عناصر خود فروخته با مهارتهای خاصی که از KGB و خاد آموخته بودند، زندانی شکنجه شده و شدیداً ضربه دیده جسمی و روانی را به شیوه های مختلف اغوا کرده و بدین طریق حرفها و اسرار نهفته و ناگفته آنها را که در زیر شکنجه های غیرانسانی اظهار نکرده اند تا حدامکان گرفته و به اطلاعات زندان می رساندند . نه تنها این عمل خبیانه را در برابر زندانیان سیاسی مربوط به سازمانهای مترقی و انقلابی کشور که حتی علیه توده های عامی «مجاهد» مربوط به یکی از تنظیم های جهادی کاملاً بی اطلاع از ترفندهای رذیلانه روسها و مزدوران آنها نیز انجام می داده اند. این خطرناکترین شیوه «اعتراف گیری» بوده که تاحدی رژیم و ارتش روسی توانستند تعدادی را اغوا کرده و «سند محکومیت» آنها را تهیه کنند . در این نوشته این ترفند دشمن به خوبی مورد شناسائی و تحلیل قرار گرفته و افشاء شده است . همچنان رژیم مزدور خلقی پرچمی ها و باداران روسی شان در عرصه فعالیتهای جاسوسی شان علیه مردم در جامعه اقدام به تربیت ملاهای خادیسست کرده و صدهاتن از این عناصر ضد مردم را در مساجد و تکایا و محافل تعزیه داری مردم گماردند تا از این طریق سخنان و حرکات مردم را برضد اشغالگران روسی و رژیم مزدور تحت نظر قرار دهند . به همین ترتیب گروه های هنری (موسیقی) خادیسست را تشکیل دادند تا در اجتماعات مردم به نفع رژیم خونخوار جاسوسی کنند . همچنان تیم های سپورتی و انجمن های «مدنی» خادیسست به همین منظور تشکیل دادند و نوجوانان و جوانان ضد رژیم و اشغالگران روسی را به دستگاه جهنمی خاد معرفی می کردند .

- نقشه جنایتکارانه دیگر رژیم خونخوار و اشغالگران روسی ضربه زدن به شخصیت آن افراد مبارز و انقلابی که از مرگ نجات یافته بودند ، و خرد کردن آنها که تا بعد از رهائی از زندان شوروشوق و عزم و اراده قوی برای ادامه مبارزه را مانند سابق نداشته و نسبت به آینده و تداوم مبارزه متزلزل و یا مأیوس شوند ؛ بود . دشمن سعی می کرده است تا این بخش از زندانیان را با اثر شکنجه های مختلف مداوم ، و با سبوتاژ های روانی پیهم و تهدید او به صدمه زدن بر اعضای فامیل اش او را در حالت از خود بیگانگی بکشاند. و در این نوشته به خوبی توضیح شده است .

- هم چنین به تصویر کشیدن شرایط و محیط اجتماعی زندان که زندانیان انقلابی طی سالهای متمادی در آن بسربرده اند و همچنان صدمات روانی اعضای فامیل زندانی و هدف شومی که اشغالگران روسی و رژیم مزدور آنها از آن داشته اند ، به خوبی توسط نویسنده تشریح شده است که بسیار آموزنده است.

مسایل مطرح شده در این نوشته مربوط به بیان خاطرات گذشته نیست که زمان آن گذشته باشد ، بلکه اینها تجارب عینی یک مبارز مردمی است که با وجودیکه در چنگال خونین دشمن اسیر بوده لکن به شیوه ها و اشکال مختلف و با احساس مسئولیت و تعهد به ادامه راه مبارزاتی اش، از مبارزه برضد اشغالگران روسی و مزدوران داخلی آنها باز نایستاده و قدم به قدم عملکردهای خاینانه و جنایات دشمن را ثبت دفتر ذهن اش کرده و اکنون برشته تحریر در آورده است. نگارش این خاطرات و افشای این گوشه از جنایات سهمگین سوسیال امپریالیستهای روسی و باند های جانی و میهن فروش خلقی، پرچمی، خادی و سازائی و دیگر عوامل روسی و عملکرد های آن عده از عوامل تنظیم های ارتجاعی اسلامی و دیگر سازمانهای روسی غیر از پرچمی خلقی و خادی که در زندان در همکاری با عوامل جنایتکار رژیم قرار داشته اند، علیه زندانیان انقلابی مردمی عمدتاً منسوبین جریان دموکراتیک نوین (شعله ایها) ؛ در واقع تاریخ حاکمیت ننگین و جنایتبار آنهاست که به دسترس نسل کنونی و نسلهای آینده کشور قرار داده شده است. چون تاستم و استثمار است مقاومت و مبارزه ادامه دارد و طبقات ارتجاعی و امپریالیسم هم با تمام نیرو با چنگ و دندان از موقعیت ننگین خود دفاع می کنند و در این مسیر پر مخاطره زندان و شکنجه و سرباختن در راه تحقق آرمان خلق همیشه در انتظار نیروهای انقلابی که در جهت نجات توده های خلق و تمام بشریت از سلطه و ستم امپریالیسم و ارتجاع می رزمند ، قرار دارد . از اینرو این خاطرات میتواند در ارتقای سطح آگاهی نسل انقلابی و مبارز کشور از نوعیت شکنجه های جسمی و روانی و ترفندهای رژیم و دشمن و آشنائی به فن مبارزه با پولیس سیاسی دشمن کمک کند . گزارشات از واقعیات عینی درون زندان که هر زندانی خاصاً زندانیان انقلابی مردمی بیشتر از همه در معرض توجه دشمن قرار داشته اند و بیشترین فشار دشمن در خرد کردن و یا نابودی آنها متمرکز بوده است ؛ از اینرو این خاطرات بخشی از تاریخ مبارزات جنبش انقلابی و توده های خلق کشور را تشکیل میدهد.

- در این نوشته رفیق توخی سعی کرده است تا از خاطرات و تجارب تلخ ؛ اما آموزنده مبارزین انقلابی سایر کشورها خاصاً مبارزین انقلابی کشور ایران که در طی چندین دهه اخیر در زندانهای دولت ارتجاعی شاه و زندانهای رژیم خونخوار جمهوری اسلامی بدست دژخیمان هر دو رژیم ضد مردمی وحشیانه شکنجه شده اند و سالهای متمادی در زیر شکنجه های جسمی و روانی در سلولهای زندان بسربرده اند ، در نگارش این اثر بهره جوید .

- تذکار موضوع و افشای جنایت شنیع مزدوران خلقی، پرچمی، خادی و با داران روسی آنها مبنی بر اینکه قبل از اعدام زندانی خون آنها را کشیده و یا اعضای داخلی بدن آنها را می کشیده اند ، یکی دیگر از جنایات ضد بشری رژیم سفاک و سوسیال امپریالیستهای خونخوار است که در این نوشته گنجانیده شده است.

- موضوع قابل توجه دیگر تعقیب عده از زندانیان مربوط به جنبش انقلابی کشور بعد از رهایی از زندان در داخل کشور و یا در پاکستان توسط خاد به همکاری برخی از تنظیم های اسلامی خاصاً حزب اسلامی گلب الدین و سیاف، حزب وحدت اسلامی، جمعیت اسلامی ربانی و شورای نظار مسعود و همکاری سازمان های مخفی دولت پاکستان و ایران ربوده شده و خاینانه به قتل رسیده اند. تعداد آنها به چندین تن می رسد . از جمله

اختطاف و قتل رفیق سهراب (سلطان معلم) عضو مرکزی سازمان پیکار برای نجات افغانستان در پشاور پاکستان .
به آرزوی صحت‌مندی و موفقیت مزید رفیق توخی تا در جلد دوم این اثر از چگونگی مقاومت و مبارزه و نظرات
و مواضع اعضای جنبش انقلابی و سایر جریانات مترقی کشور در زندان پلچرخی مطالب بیشتری نوشته و آنرا
تکامل بخشد.

پولاد (۲۰۰۹ / ۶ / ۱۸)

گروه پیکار برای نجات مردم افغانستان (م ل م)

ادامه دارد